

دیپلمات
های
ایران

در سایه رئیس جمهور

کارنامه دیپلماتیک سیدکمال خرازی از معاون ابراهیم یزدی تا منصوب رهبری

شد. خرازی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۷ در انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا و مؤسسه تحقیقات اسلامی لندن عضویت داشت. وی در طول سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۹ معاون طرح و برنامه صداوسیما، معاون سیاسی وزارت امور خارجه و مدیرعامل کنون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود.

خرازی از سال ۱۳۵۹ تا پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عضو ناظر شورایی دفاع و رئیس ستاد تبلیغات جنگ شورایی دفاع بود. از جمله اقدامات وی در این مدت، سازماندهی ستادی جامع برای نظارت بر عملیات اطلاع‌رسانی و تبلیغات جنگ، ایجاد چهل گروه شاهد برای ثبت رویدادهای جنگ و انتشار اسناد ارزشمند تصویری جنگ تحمیلی در چند مجلد است. کمال خرازی از خرداد سال ۱۳۵۹ به سمت مدیرعامل ایرنا منصوب شد و تا شهریور سال ۱۳۶۸ این سمت را عهده‌دار بود. در مدت مسئولیت وی در ایرنا، اطلاع‌رسانی و خبررسانی در این رسانه، مجهز به رایانه شد، دفتر خبری در داخل و خارج توسعه یافت و بخش اخبار عربی ایجاد شد.

خرازی از مهرماه سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ که سکان وزارت امور خارجه را بر عهده گرفت به‌عنوان سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل مشغول به خدمت است و در مقاطعی عهده‌دار پست‌های معاونت مجمع عمومی سازمان ملل، معاونت اجلاس سران ملل برای محیط زیست و توسعه، ریاست گروه آسیایی سازمان ملل، ریاست کنفرانس تجاوز و دفاع و نیز عضو گروه تماس بوسنی، کنفرانس اسلامی و عضو هیئت امنای مدرسه سازمان ملل بوده است.

▼ در سایه رئیس جمهور

دوران وزارت کمال خرازی تحت‌الشعاع شخصیت بین‌المللی سیدمحمد خاتمی قرار داشت و خاتمی با حضورهای پرسرودا در سازمان ملل که انعکاس گسترده‌ای پیدا می‌کرد و پیشنهاد «گفتگوی تمدنها» که مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت کمتر فرصتی را برای وزیرش فراهم می‌کرد تا دیده شود. خاتمی در گفت‌وگو با رسانه‌های بین‌المللی چون سی‌ان‌ان نیز فعال بود و این چنین بود که از میزان فعالیت وزیرش ناراضی شد. محمد صدر در کتاب خاطراتش از این اختلافات اینگونه یاد کرده است:

توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، سفارت ایران و نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد به چشم می‌خورد، در ۱۰ آذرماه سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در مدرسه علوی پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۴۷ مدرک کارشناسی خود را در رشته زبان عربی، در سال ۱۳۵۱، مدرک کارشناسی ارشد علوم تربیتی‌اش را از دانشگاه تهران و مدرک دکترای رشته مدیریت آموزشی را از دانشگاه هیوستون آمریکا دریافت کرد. در همین دوره بود که به عضویت انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا درآمد و با ابراهیم یزدی دومین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی آشنا شد. ابراهیم یزدی در خاطرات خود از دعوت کمال خرازی برای انتصاب به معاونت سیاسی یاد کرده است. عباس امیرانتظام که سال‌ها به اتهام جاسوسی برای آمریکا در زندان بود، در مصاحبه‌ای با حسین دهباشی گفت که پس از دریافت تلگرافی از سوی صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه وقت به ایران بازگشته است که در آن هدف از سفر که در آن زمان سفیر ایران در کشورهای اسکندیناوی بوده است برخی مشورت‌های سیاسی ذکر شده بود. وی در این گفت‌وگو عنوان کرد که با ورود به ایران، با دفتر وزیر امور خارجه تماس گرفته و تلفن به کمال خرازی وصل شده است که او خواسته است در ساعت ۹ شب در دفتر وزیر حاضر شود. وی می‌گوید بعدها وقتی در زندان قطب‌زاده را دیده است، وی از چنین دعوتی کاملاً اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته است که خرازی امضای وی را جعل کرده است. کمال خرازی جعل امضای قطب‌زاده را تکذیب کرده و توضیح داد که معاون سیاسی وزارت خارجه خودش حق امضا دارد و لازم نیست امضای وزیر را جعل کند و احضار آقای امیرانتظام بنا بر درخواست دادستان وقت انقلاب بوده است.

سال ۱۳۷۶ که به‌عنوان وزیر امور خارجه دولت سیدمحمد خاتمی معرفی شد، خبرگزاری ایرنا در معرفی او نوشت: «سیدکمال خرازی، وزیر پیشنهادی محمد خاتمی برای وزارت امور خارجه در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۴۸ در مقطع لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. نامبرده دو سال بعد، مدرک فوق‌لیسانس خود را در رشته علوم تربیتی از همین دانشگاه گرفت و در سال ۱۳۵۵ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه هیوستون آمریکا

دوران وزارت کمال خرازی تحت‌الشعاع شخصیت بین‌المللی سیدمحمد خاتمی قرار داشت و خاتمی با حضورهای پرسرودا در سازمان ملل که انعکاس گسترده‌ای پیدا می‌کرد و پیشنهاد «گفتگوی تمدنها» که مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت کمتر فرصتی را برای وزیرش فراهم می‌کرد تا دیده شود. خاتمی در گفت‌وگو با رسانه‌های بین‌المللی چون سی‌ان‌ان نیز فعال بود و این چنین بود که از میزان فعالیت وزیرش ناراضی شد.

▼ از معاون تا وزارت

سیدعلی نقی خرازی، مشهور به کمال خرازی که در کارنامه‌اش سابقه وزارت امور خارجه، عضویت در شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، دبیر ستاد

کمال خرازی وزیر عبوس دولت سیدخندان کسی که ابراهیم یزدی او را به استخدام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درآورد، اکنون رئیس شورای راهبردی سیاست خارجی و مورد اعتماد رهبر جمهوری اسلامی است. کمال خرازی برادر محسن خرازی روحانی سرشناس تهرانی است که دخترش همسر مسعود خاتمی یکی از فرزندان رهبری است. مردی که کمتر می‌خندد اکنون نیز مانند دوران وزارت امور خارجه‌اش در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی فعال است؛ اگر چه کمتر به چشم بیاید. کمال خرازی در دوران وزارتش در سایه فعالیت‌های بین‌المللی سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور قرار داشت بنابراین فعالیت‌های کنونی‌اش کمتر از دوران وزارتش دارای اهمیت نیست چه‌سپاس مهمتر نیز باشد چراکه او از جایگاه منصوب رهبری و به‌عنوان نماینده نظام و نه قوه مجریه به سفرهای خارجی می‌رود و حامل پیام‌های مهم نظام جمهوری اسلامی است. چه وقتی که به خاطر موضع خلاف روسیه در قبال جزایر سه‌گانه ایرانی در اقدامی متقابل با سفیر ژاپن دیدار کرد و روسیه و ژاپن را دعوت کرد اختلاف خود را بر سر چهار جزیره در اقیانوس آرام از طریق گفت‌وگو حل کنند و چه وقتی که سال گذشته به ارمنستان رفت و با نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و دبیر شورای امنیت ارمنستان دیدار کرد و چه سفرهایش به عراق و روسیه؛ همگی حامل پیام کلیت نظام بوده است. سخنان اخیر او در زمینه تغییر موضع ایران در سیاست هسته‌ای‌اش در صورت تهدید موجودیت توسط اسرائیل نیز از سوی کشورهای مختلف موضع جمهوری اسلامی ایران تلقی شد. کمال خرازی دولت‌مرد کم‌سخن و گزیده‌گو که حضورش را با معاون سیاسی وزارت امور خارجه آغاز کرد اکنون نیز با ریاست شورای راهبردی سیاست خارجی سکندار اصلی و پشت پرده روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی است.



داود دشتبانی
خبرنگار گروه دیپلماسی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

KYIV
POST

تغییر مسیر

در روابط ایران و روسیه؟

هر گونه تعامل بین مسکو و تهران در دوران پس از رئیس‌جمهور باید ذیل عناصر ساختاری خاصی صورت گیرد و این عناصر ممکن است با برخی ادعاهای طرفین در تضاد باشد. اگر چه ممکن است درگذشت ناپهنگام ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، موج‌هایی را در محافل سیاسی خاورمیانه و فراتر از آن ایجاد کرده باشد، اما بعید است که تغییری در سیاست ایران در سال‌های آینده ایجاد کند. براساس نظام سیاسی ایران، رئیس‌جمهور پس از رهبری، قدرتمندترین مقام در ایران است. برخلاف نظام‌های دیکتاتوری یکپارچه، تصمیمات مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی در ایران توسط نهادهای مختلف با اعمال نفوذ رهبران سیاسی متعدد اتخاذ می‌شود. با توجه به مسیر تعامل روسیه و ایران پس از ۱۷ اکتبر، تغییر این مسیر حتی برای تأثیرگذارترین رهبران سیاسی در وزارت امور خارجه ایران نیز چالش برانگیز خواهد بود. به گفته برخی کارشناسان، امیر عبداللهمیان، وزیر فقید امور خارجه در تحکیم روابط تهران با مسکو نقش پررنگی داشت. ابراهیم رئیسی نیز تأکید ویژه بر تقویت روابط با روسیه داشت. اگر چه سفر وی به مسکو موجب امضای هیچ توافقنامه قابل توجهی نشد اما تعامل اقتصادی بین دو کشور را افزایش داد. نقطه برجسته روابط تهران با مسکو نه تعامل اقتصادی بلکه تقویت همکاری نظامی بین دو کشور است. تهران پس از تهاجم روسیه به اوکراین، همکاری‌های دفاعی با روسیه را افزایش داد و در مقابل، تهران سه اسکادران هواپیمای آموزشی دریافت کرد. در سفر رئیسی به مسکو، وی دو اسکادران جنگنده سوخو-۳۵ را درخواست کرده بود که به گفته یک منبع، مسکو با ارسال آنها تا پایان سال جاری یا نیمه اول سال ۲۰۲۵ موافقت کرد. اگر چه ممکن است به نظر برسد که تعامل بین تهران و مسکو در دوران ریاست جمهوری رئیسی افزایش یافته است اما واقعیت چیزی جز این است. تهاجم روسیه به اوکراین و انزوای سیستماتیک این کشور در نظم جهانی عامل محرک شراکت روسیه و ایران است. این بدان معناست که روابط دو کشور با تازان ناچیزی از واقعیت‌های اساسی در نظم جهانی است و حتی پس از سوگند رئیس‌جمهور جدید ایران ممکن است دستخوش تغییر شود. در اولین سال جنگ روسیه و اوکراین، همکاری تجاری بین ایران و روسیه ۲۰ درصد افزایش یافت و به رکورد جدید ۴/۹ میلیارد دلار رسید. انتظار این بود که همکاری در مسیر صعودی مشابه یا در بهترین حالت، در مسیر ثابتی ادامه داشته باشد. در عوض، تجارت دوجانبه در سال ۲۰۲۳ تنها ۱۰ میلیون دلار افزایش داشت. در بررسی علت چنین نوساناتی باید گفت که صادرات روسیه به ایران که عمدتاً غلات (تقریباً ۸۰ درصد کل صادرات) را شامل می‌شود، کاهش داشته است. کالاهای روسی هنوز وارد بازارهای ایران نشده است. علاوه بر چالش‌های لجستیکی، عدم تسویه پرداخت و هزینه‌های زیاد حمل و نقل از موانع اصلی به‌شمار می‌رود. این بدان معناست که سیستم‌های تسویه پرداخت فقط بر روی کاغذ کارآمد به نظر می‌رسند، در واقع بازارها فاقد هرگونه سیستم پرداخت هستند و معامله‌گران را مجبور می‌کند فرآیندهای پرهزینه مالی را انتخاب کنند. با این حال، به نظر می‌رسد وضعیت از نظر صادرات ایران به روسیه کمی باثبات‌تر باشد. تنها با در نظر گرفتن اطلاعات مربوط به سال ۲۰۲۳، صادرات ایران به ۱۵/۸ درصد افزایش یافت و به بیش از ۱/۲۹ میلیارد دلار رسید. در تجزیه و تحلیل کالاهای ایرانی، به نظر می‌رسد نسبت کالاهای کشاورزی کاهش یافته است که منعکس‌کننده افزایش تقاضا برای کالاهای صنعتی مانند سیمان و همچنین سایر لوازم ساخت‌افزایی و قطعات موتور در بازارهای روسیه است. به عنوان یک روند، هر تعامل جدید بین تهران و مسکو معمولاً بیشتر هیاهوی رسانه‌ای است. یکی از این نمونه‌ها، قرارداد چندمیلیارد دلاری با گازپروم (سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران) است که در حقیقت هیچ پیشرفت قابل توجهی ندارد. در همین راستا، کار ساخت راه‌آهن رشت-استراخان نیز هنوز به نتیجه نرسیده است. با در نظر گرفتن مواضع ضدغربی تهران، بعید است که رئیس‌جمهور جدید ایران موضع تهران در قبال غرب را تغییر دهد و این بدان معناست که تعامل مسکو با تهران به طور بالقوه افزایش خواهد یافت. اما این افزایش روابط لزوماً به دلیل موانع بوروکراتیک و تاخیرها منجر به تکمیل سریع پروژه‌های مشترک نخواهد شد. سرنویشت پروژه‌های مشترک بدون تغییر باقی می‌ماند حتی اگر رئیس‌جمهور جدید گام‌های رئیسی را با یک سفر به مسکو دنبال کند.